

شرق روزنامه

یادداشت

پایان ماه عسل اردوغان و مرکل

اردشیر زارعی قنوتی: با افزایش احتمال شکست توافق اخیر اتحادیه اروپایی و ترکیه درخصوص بحران پناهجویان به دلیل عدم پذیرش پنج شرط از شروط ۷۲گانهٔ این اتحادیه توسط آنکارا، به نظر می‌رسد که ماه عسل «رجب طیب اردوغان» و «آنکلا مرکل» هبران دو کشور به پایان خود نزدیک می‌شود. فشار افکار عمومی بین‌المللی و ترقی‌خواهان ترکیه در کنار اعتراضات فرازندهٔ نهادهای حقوق بشری جهانی بر اتحادیه اروپایی و شخص مرکل در طی هفته‌های اخیر هم زمان با اقدامات هیستریک رئیس‌جمهوری ترکیه نسبت به مخالفان داخلی و سرکوب نظامی اقلیت کرد این کشور که با برکناری ترازیک «احمد داووداوغلو» نخست‌وزیر، همراه شد، راه را برای تأیید اجرائی شدن این توافق دوجانبه در پارلمان اروپایی سخت‌تر کرده است.

تشدید اختلافات بین دو طرف به مرحله‌ای رسیده است که اردوغان تنها یک روز بعد از کناره‌گیری داووداوغلو در برنامه‌ای تلویزیونی به‌صراحت ضمن رد درخواست اتحادیه اروپایی در مورد بازنگری در قوانین ضدتورپرستی این کشور خطاب به اروپا گفت: «ما به راه خودمان می‌رویم، شما هم به راه خودتان بروید». همچنین گزارشات غیررسمی از آخرین دیدار مرکل و اردوغان در ترکیه نیز حاکی از آن بوده است که پادشاه عثمانی در برخورد با صدراعظم آلمان خارج از عرف و پروتکل‌های دیپلماتیک برخوردی توهین‌آمیز داشته است.

اظهارات «برهان کوتسو» مشاور رجب اردوغان، مبنی بر اینکه «اگر پارلمان اروپا تصمیم غلطی بگیرد، پناهجویان را به‌سوی اروپا می‌فرستیم»، یک تهدید باج‌خواهی آشکار بود که این‌بار برعکس رویه قبلی در اتحادیه اروپایی باخ‌زود منفی به‌همراه داشت. چنانچه «مارتین شولتز»، رئیس پارلمان اروپا، در واکنش به تحولات جدید به‌صراحت تأکید کرد: «امکان ندارد که پارلمان اروپا بحث بر سر تررد بدون‌ویزای شهروندان ترکیه در منطقه شنگن را آغاز کند، در شرایطی که ترکیه هنوز به پیش‌شرط‌های مربوطه عمل نکرده است». نشانه‌های تغییر در مناسبات بین بروکسل و آنکارا در هفته‌های اخیر با توجه به اصرار رهبران حزب «عدالت و توسعه» نسبت به استفاده از کارت پناه‌جویان و تئوریسم در تنظیم این مناسبات و تشدید سرکوب‌های داخلی علیه احزاب اپوزیسیون، نهادهای مدنی، روزنامه‌نگاران و اقلیت ۲۰ درصدی کُرد ساکن ترکیه، کاملاً به چشم خورده و به نظر می‌رسد شکلیابی اروپا در مورد تحركات اردوغان به سر آمده است. در چنین شرایطی در پارلمان آلمان دوباره موضوع ارائه پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای درخواست به‌رسمیت‌شناختن «نسل‌کشی ارمنه» توسط دولت عثمانی در جنگ جهانی اول در یکصدمین سالگرد این جنایت بزرگ، به جریان افتاده است. پیش‌نویس این قطع‌نامه که قرار بود در ماه فوریه به پارلمان آلمان ارائه شود، به دلیل درج‌ریان‌بودن مذاکرات حول پناه‌جویان به تعویق افتاده بود و هم‌اکنون که طرح در آستانه شکست قرار گرفته است، بار دیگر به بوندستاک برای رسیدگی در روز دوم ماه ژوئن از طرف فراکسیون سزهای آلمان ارائه شده است. نکته بسیار جالب این است که این طرح توسط «جم اوزدمیر»، رهبر فراکسیون سیزه‌را در مجلس آلمان که ترک‌تبار است، ارائه شده و همین موضوع موقعیت اردوغان را برای تبلیغات ناسیونالیستی علیه دشمنان اروپایی قوم ترک تا حدودی با محدودیت مواجه می‌کند. آقای اوزدمیر در مصاحبه با روزنامه آلمانی «بیلدام زونتگ» می‌گوید: «ممکن است که آنکارا مشکل درست کند اما پارلمان تسلیم تهدیدهای فرد مستبدی مانند اردوغان نخواهد شد». همچنین در ادامه اظهارنظرهای موافق رؤسای فراکسیونی پارلمان آلمان نسبت به ارائه پیش‌نویس این قطع‌نامه، «روبرت لامت»، رئیس پارلمان آلمان، هم در مراسم یکصدمین سالگرد قطع‌عام ارمنه گفته است: «آنچه در میانه جنگ جهانی اول در شرق امپراتوری عثمانی در برابر چشمان جهانیان رخ داده است یک نمونه از نسل‌کشی بود». اجماع‌نظر اکثریت نمایندگان پارلمان آلمان درخصوص پذیرش قطع‌نامه به‌رسمیت‌شناخته‌شدن نسل‌کشی ارمنه توسط دولت وقت عثمانی در طول جنگ جهانی اول تقریباً تغییر در نا قطعی می‌کند. به همین دلیل در شرایط جدید باید در انتظار تصویب در مناسبات ترکیه و اتحادیه اروپایی بود که بیش از گذشته از موقعیت هویج به مسیر چماق جهت می‌گیرد. چنانچه این قطع‌نامه در دوم ژوئن در پارلمان آلمان به‌عنوان متحد نزدیک و تاریخی این کشور با دولت وقت عثمانی به تصویب برسد، از یک طرف به دلیل بازگشایی آرشيو و ارجاع به مدارک مستند راه به طرف پیگیری‌های حقوقی بازماندگان این جنایت باز می‌شود و از طرف دیگر این روند پذیرش به‌سرعت در اتحادیه اروپایی و بسیاری دیگر از کشورهای جهان کلید خواهد خورد. تا به امروز دولت‌های حاکم بر آنکارا به جهت مناسبات ویژه خود با اتحادیه اروپایی و آمریکا توانسته بودند این الزام تاریخی را به تعویق انداخته و با بهانه‌های سطحی از جمله اینکه در جنگ جهانی اول صدها هزار ترک هم قربانی شده‌اند، چنین کشتاری را در ردیف قربانیان معمولی یک جنگ قرار دهند. این استدلال رهبران ترکیه قیقا مثل این خواهد بود که کسی مثل هیتلر با میراث‌داران او در آلمان نیز به دلیل میلیون‌ها کشته ارتش و جامعه آلمان نخواهند منکر «هولوکاست» یا نسل‌کشی کولی‌های مجاری- رومانی شوند. درحالی‌که مفهوم حقوقی «نسل‌کشی» بسیار فراتر از تعدد عددی قربانیان جنگ است و معطوف به پاکسازی و امحای دسته‌جمعی و سیستماتیک یک نژاد انسانی جهت تغییرات دموگرافی در یک کشور یا منطقه جغرافیایی خاص است که در چارچوب جنایت علیه بشریت همچنان قابل پیگیری حقوقی خواهد بود. اتفاقاً پذیرش نسل‌کشی ارمنه از سوی ترقی‌خواهان ترکیه نه‌تنها فروکاستن و کاهش اعتبار ترکیه نویسن نخواهد بود که از یک طرف برای همیشه از این «خار در گلو» رها شده و از طرف دیگر، دست دولت‌های اقتدارگرای احتمالی در این کشور که اتفاقاً هم‌اکنون نیز معضل بزرگی برای دموکراسی این کشور است، را تا حدود زیادی جهت سرکوب سیستماتیک خواهد بست. تحولات جدیدی که در مناسبات بروکسل- آنکارا در شرف انجام است تا حدودی نشان می‌دهد که طرف اروپایی با توجه به واقعیات موجود نسبت به نقش مثبت آنکارا در عرصه داخلی و منطقه تا حدود زیادی ناامید شده است. زیاده‌روی اردوغان در باج‌خواهی و تهدید اروپاییان که در چندسال اخیر منجر به دادن امتیاز به او شده بود، با توجه به نتایج منفی آن هم‌اکنون با تغییر مسیر به سمت سیاست تنبیهی در حال حرکت است و اجماع جناح‌های سیاسی آلمان برای ارائه پیش‌نویس قطع‌نامه به‌رسمیت‌شناختن نسل‌کشی ارمنه نیز در همین راستا قابل ارزیابی و تحلیل خواهد بود.

نگاه

در اندیشه صلح

«کلیدین حکمتیار»، این جنگ‌سالار سابق و رهبر کنونی سازمان شبه‌نظامی «حزب اسلامی»، تلاش می‌کند تا فضلی نوین را با ایجاد شرایط مناسب برای اجرای روند صلح با دولت کابل بگشاید. حکمتیار در حال نزدیک‌شدن به یک توافق آتش‌بس است که می‌تواند به قریب به دو دهه تبعید و مخفی‌شدن او پایان دهد. او که اکنون در دهه ششم زندگی‌اش است، از زمان قدرت‌گرفتن طالبان در افغانستان در سال ۱۹۹۶ و خروجش از کشور در تبعید است. حزب اسلامی اغلب به عنوان دومین گروه شبه‌نظامی مهم در افغانستان شناخته می‌شود اما اعضایش حضور کمی در صحنه نبرد دارند و بسیاری از وفاداران به حکمتیار نیز به طالبان پیوسته‌اند.

نیروهای حکمتیار و سایر گروه‌ها در جریان این چندین‌سال جنگ داخلی مکرراً کابل را به راکت بسته و به کشتار هزاران نفر از غیرنظامیان متهم شده‌اند. حکمتیار پیش از آنکه به‌واسطه حضور طالبان در افغانستان از کشور فرار کند، چندین‌بار به‌دنبال پست نخست‌وزیری بود و حالا این جنگ‌سالار سابق که از سوی آمریکا «تورپرست جهانی» خوانده شده و روابط نزدیکی با «اسامه بن‌لادن»، رهبر سابق القاعده زمانی که در افغانستان بود داشت، گمان می‌رود که در پاکستان باشد. حتی زمانی که حمایت از حکمتیارو به افول رفت، شاخه سیاسی حزب اسلامی در پارلمان و کابینه افغانستان نماینده داشت اما این افسراد با او در ارتباط نبودند و او نا نوشتن و ضبط سخنرانی‌هایش که اغلب علیه آمریکا بود، موضع و نفوذش را حفظ می‌کرد.

«پاتریشیا کاسمن»، محقق ارشد افغانستان در دیده‌بان حقوق‌بشر، می‌گوید: بسیاری از افغان‌ها حکمتیار را نکوهش می‌کنند چون او بود که در دهه ۹۰ میلادی به صورت بی‌رحمانه کابل را به شلیک گلوله و راکت بسته بود. نیروهای حکمتیار تنها نیروهایی نبودند که در اردن انتخاب خلیفه یا رای مردم است. خلافت، قراردادی میان مسلمانان و خلیفه است. این قراردادی است که با عنوان تعهد یا بیعت وارد می‌شود و ما می‌دانیم که چه نوع سیاستی موردعلاقه حکمتیار است. او همواره دیدگاه رادیکالی داشته و این برای دولت به طور حتم مشکل‌ساز است.

این در حالی است که ماه‌ها دیدار و گفت‌وگو میان دیپلمات‌های افغانستان، پاکستان، آمریکا و چین برای ازسرگیری مذاکرات و بر سر میز آوردن طالبان شکست خورده است. در ضمن، شبه‌نظامیان طالبان به نبرد و درگیری‌های خود با نیروهای دولتی ادامه می‌دهند.

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که طالبان که رهبری‌اش با مشکل مواجه شده است، به خاطر مسئله حضور یا حضور نیافتن در این مذاکرات دچار تفرقه شده و تمایل کمی برای انجام مذاکرات با آنها وجود دارد، درحالی‌که دولت متحد اشراف‌غنی نیز به‌شدت تحت فشار است. تظاهرات گسترده ضددولتی نیز دوشنبه گذشته برپا شد و اعضای گروه‌های قومی و سیاسی مختلف در آن شرکت کردند؛ گروه‌هایی که بخشی از دولت جدید را شکل داده‌اند اما به‌خاطر نوع رهبری اشراف‌غنی، درگیری‌های مداوم در کشور و اقتصاد رو به زوال به‌شدت دچار سردرگمی شده‌اند.



رئیس دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب «التحریر» لبنان در گفت‌وگو با «شرق»:

از نظر ما انتخابات بی‌فایده است

زندگی خود اعمال کنند و به کار گیرند. حزب التحریر هدفش ازبین‌بردن تمام عواملی است که منجر به تفرقه در میان مسلمانان می‌شود. به همین خاطر حزب التحریر نظم ژئوپلیتیکی ساختگی از سوی قدرت‌های استعماری را نمی‌پذیرد و معتقد است تمام مسلمانان، یک امت و کلیت واحد هستند؛ بدون توجه به عناوین‌شان بدون توجه به اینکه سنی، شیعه، شافعی، حنفی، جعفری یا زیدی هستند.

ما برخی از گروه‌های سلفی از جریان المستقبل در لبنان حمایت می‌کنند. با وجود آنکه این گروه موردحمایت عرب قرار دارد و سلفی‌ها خود با آمریکا و غرب مخالف هستند. آیا فکر نمی‌کنید این رویکردی متناقض است؟ رویکرد حزب التحریر در قبال المستقبل چگونه است؟ حزب التحریر مخالف هرگونه جنبش و حزبی سکولار است. المستقبل و جریانات مشابه نیز یا معتقد به سرمایه‌داری سکولار هستند یا سوسیالیسم سکولار. جنبش المستقبل چیزی بیش از ابزاری ارزان‌قیمت برای خدمت به جاه‌طلبی‌های شخصی حزری و دوستان او نیست. این واقعیت موجود است که آن حزب از سوی رژیم عربستان‌سعودی مورد حمایت قرار می‌گیرد. حزب التحریر چندین بیانیه مطبوعاتی را منتشر کرده که به‌وضوح در آنها اشاره شده است که نه‌تنها ائتلاف با چنین نیروهایی را رد بلکه آنها را محکوم می‌کند.

ما شما به طور علنی مخالفت خود را با دموکراسی سکولار بیان کرده‌اید درحالی که رژیم سیاسی لبنان یک دموکراسی سکولار است. آیا فکر نمی‌کنید که دولت لبنان حق دارد شما را به‌عنوان یک تهدید امنیتی قلمداد کند چراکه شما مخالف کلیت نظام سیاسی لبنان هستید؟ در سایر کشورها از جمله آلمان و روسیه نیز فعالیت حزب التحریر نیز ممنوع شده است. آیا فکر نمی‌کنید که مشکل از رویکرد حزب شماست؟ یک دموکراسی سکولار به طور دائم بر حقوقی چون آزادی بیان و عقیده تأکید می‌کند درحالی‌که واقعیت تلخ آن است که در عمل سانسور تئودیتیزی را بر ایده‌ها و باورها اعمال می‌کند. حزب التحریر به‌دنبال گفتمانی سیاسی است که با ایده‌های مادی‌گرایانه مخالف است. دولت لبنان علیه اعضا و هواداران ما شیوه خشنی را در پیش گرفته است و رسانه‌ها نیز تهمت‌هایی را علیه ما وارد می‌کنند.

حزب «عدالت و توسعه» در ترکیه تلاش کرده تا خود را مدل موفقیت از تلفیق اسلام، دموکراسی و سکولاریسم نشان دهد. نظر شما درباره آن مدل چیست؟

همان‌گونه که پیش‌تر گفتم، اسلام و کفر غیرقابل‌ترکیب با یکدیگر هستند. همه آنها تلاش می‌کنند تا اسلامی ساختگی را درست کنند. همچنین حزب عدالت و توسعه به طور آشکار و علنی اعلام کرده که به دموکراسی سکولار پایبند است. در نتیجه، هیچ نشانه‌ای از اعتقاد آن حزب به اسلام و احکام آن وجود ندارد.

ما انتخابات را غیرقانونی نمی‌دانیم از نظر ما انتخابات بی‌فایده و مسخره است چراکه هیچ‌گونه تغییری در نتیجه آن ایجاد نمی‌شود. در فرایند انتخابات در سرتاسر جهان تقلب دیده می‌شود و نتایج آن نیز آلوده و همراه با جعل است. هیچ انتخاباتی در هیچ نقطه‌ای از جهان وجود ندارد که توانسته باشد تغییر رژیم کامل را به ارمغان آورد.

ما نظر حزب التحریر درباره حزب‌الله لبنان متناقض است. در یکی از مصاحبه‌ها خود شما مقاومت حزب‌الله علیه اسرائیل را مورد تحسین قرار داده بودید. از سوی دیگر معتقد هستید حزب‌الله دیدگاه فرقه‌گرایانه دارد. نظر شما در این باره چیست؟

حزب‌الله ممکن است دشمن جنبش‌های سکولار باشد؛ این مشکل ما با آنان نیست و در اینجا نیز از جانب المستقبل صحبت نمی‌کنیم. حزب التحریر از تمام جنبش‌های جهادی علیه اشغالگران خارجی در سرزمین‌های مسلمان دفاع می‌کند. ما نقش مردم در نظام خلافت مدنظر شما چیست؟ حزب التحریر اعلام کرده به نظام سیاسی – استبدادی باور ندارد و بر انتخابی‌بودن خلیفه تأکید دارد و از سوی دیگر شما مخالف دموکراسی و حاکمیت مردم‌برمردم هستید. گمان نمی‌کنید این ایده‌ها با یکدیگر تناقض دارند؟ زمانی که شما جهان‌بینی سکولار اروپایی‌محور را به‌عنوان معیار و



نوژن اعتضادالسلطنه

کراوات می‌زند اما غرب را جهان کفر می‌داند؛ مانند سید قطب جهان را به دو بخش حق و باطل تقسیم می‌کند و معتقد است از عربستان سعودی تا دولت‌های غربی، فاسد و باطل هستند اما قویا رد می‌کند که از حزبی که به آن تعلق دارد، تحت عنوان «سلفی» یاد شود. برنامه تشکیل خلافتش آن‌قدر بلندپروازانه است که می‌گوید حتی سلفی‌ها نیز این برنامه را بیش از انسازه «ناممکن» و رادیکال می‌دانند. نوک پیکان حلاش‌ش را به سوی «دموکراسی» و «سکولاریسم» گرفته است و از این نظر نقطه اشتراک زیادی با داعش و القاعده دارد اما هرگونه ارتباط با گروه‌های تروریستی را انهامی از جانب مخالفان می‌داند. «عثمان یخاش» رئیس دفتر مرکزی مطبوعاتی حزب «التحریر» بزرگ‌ترین گروه اسلام‌گرا به موازات اخوان‌المسلمین که فعالیتش در بسیاری از کشورهای غربی و آسیایی به اتهام خشونت و برهم‌زدن نظم عمومی ممنوع شده است، در گفت‌وگو با «شرق» نظرات آن حزب درباره مسائل مختلف را مطرح کرد.

ما آیا شما به این موضوع باور دارید که ظهور داعش نشانه‌ای از وجود بحران در جهان سنی است؟

ایده خلافت نشئت‌گرفته از باور اسلامی (عقیده) است. این موضوع به فلان فرد و فلان افراد بستگی ندارد و هم‌چنین به طرز فکر آنان نیز ارتباطی ندارد. دولت در قالب خلافت، شکل تازه ریزم سیاسی است که نشئت‌گرفته از اسلام است. این شکل از حکومت‌داری نشئت‌گرفته از شریعت اسلام و درون چارچوب آن است. خلافت جایگزینی مناسب برای رژیم‌های سکولار حاکم‌شده بر جهان اسلام است که نتیجه استعمار قدرت‌های غربی بوده‌اند؛ رژیم‌هایی که فضا و جوی نفرت‌انگیز و خفقان‌آور ایجاد کرده‌اند. این رژیم‌ها از طریق ایجاد فضای پلیسی نظراتشان را بر جمعیت تحمیل می‌کنند. هیچ‌یک از این رژیم‌ها بازتاب‌دهنده شیوه زندگی اسلامی نیستند و تمام آنها از سیاست‌های استعماری غرب پیروی می‌کنند.

ما چه تفاوتی میان ایده‌های حزب التحریر با ایده‌های داعش و القاعده وجود دارد؟

حزب التحریر برای ایجاد خلافت اسلامی از سال ۱۹۵۳ میلادی آغاز به کار کرد و در آن زمان القاعده یا داعشی وجود نداشت. حزب التحریر به طور آشکار نشان داده که درصدد تغییرات بنیادی است و مبارزه سیاسی و فکری تعریف‌شده‌ای را آغاز کرده است. حزب التحریر به طور آشکار هرگونه استفاده از اهرم‌های خشونت‌آمیز را در مسیر ایجاد خلافت رد کرده است. این یک موضوع دینی است و به مصلحت‌اندیشی سیاسی نیز مربوط می‌شود. روش اتخاذشده از سوی حزب التحریر، برگرفته از سیره و زندگی حضرت محمد(ص) است. این یک انتخاب فردی نیست که بگویم از آن پیروی می‌کنیم یا نمی‌کنیم. در یک سو مفهوم بنیادگرایی اسلامی قرار دارد که مفهومی کاملاً استعماری است و ما آن را رد می‌کنیم. جهان‌بینی مسلمانان به ما به‌عنوان مسلمان می‌گوید که باید کاملاً اعمال اسلامی و باورهای دینی را رعایت کنیم.

ما حزب التحریر به دیدگاه حق و باطل باور دارد؛ شما فکر می‌کنید که در جبهه حق قرار دارید و سایرین در جبهه باطل. با این حال، برخی از متفکران مسلمان از جمله «راشد الفنوشی» مخالف دیدگاه شما هستند. آنان به راه سومی باور دارند و معتقدند در عرصه سیاسی همکاری بین اسلام‌گرایان و سکولارها از طریق ایجاد یک رژیم سکولار دموکراتیک امکان‌پذیر است.

راشد غنوشی و سایر متفکران مشابه ممکن است بر این باور باشند که مصالحه یا پیداکردن راه سومی امکان‌پذیر است. با این حال، ما بر این باوریم که اسلام و کفر نمی‌توانند با یکدیگر آمیخته شوند. نسبت میان آنها مانند نسبت میان آب و آتش است که قابل انطباق و آمیزش با یکدیگر نیستند. ماهیت دین اسلام مبتنی بر باور توحیدی به یگانگی خالق است و این در تضاد کامل با نوع نکرش سرمایه‌داری، سکولاریسم، مارکسیسم یا هر ایسم دیگری است که اصالت را به انسان می‌دهد و معتقد است انسان خالق همه‌چیز است. انتهایی که در جست‌وجوی راه سوم هستند، شکست خورده‌اند و به طور کامل از درک ماهیت واقعی اسلام و ماهیت واقعی سایر ایدئولوژی‌های ساخته‌شده توسط انسان‌ها عاجز مانده‌اند.

ما برخی از گزارش‌ها نشان می‌دهند گروه‌های سلفی مانند حزب التحریر در لبنان از اردوگاه‌های پناهندگان در بخش‌های شمالی آن کشور نیرو جذب می‌کنند. آیا فکر نمی‌کنید این موضوع سوءاستفاده از پناه‌جویان برای منافع سیاسی گروه‌های سلفی باشد؟

قطعا اطلاعات و گزارش‌هایی که به آنها استناد می‌کنید غلط هستند. ما هرگز خود را به عنوان گروهی سلفی نمی‌شناسیم. ما در هیچ شکل و عنوان و قالبی خود را سلفی نمی‌دانیم. حزب التحریر یک حزب سیاسی است که هدف آن تعامل با امت مسلمان در سطح کلان آن است. ما به مسلمانان جهان می‌گوییم وظیفه دارند تا راه و روش اسلامی را در